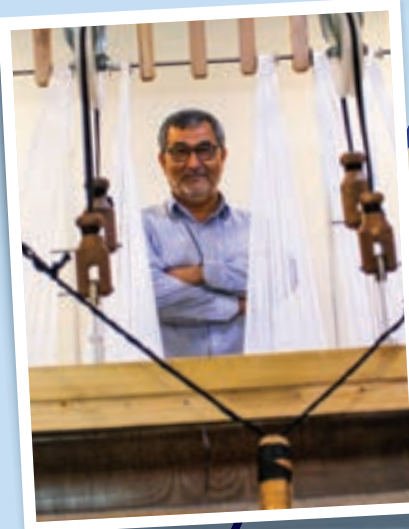


## زنان، اولویت نخست یک طرح اجتماعی

بخش بزرگی از مخاطبان این مجموعه را زنان، به ویژه زنان سرپرست خانوار تشکیل می دهند. معرفی کارجویان معمولاً از طریق کمیته امداد، بهزیستی، شورای اجتماعی محلات و دستگاه های حمایتی انجام می شود. بسیاری از این زنان در شرایطی به مؤسسه مراجعه می کنند که سال ها از بازار کار فاصله داشته اند یا به دلیل مشکلات خانوادگی و اقتصادی، فرصت یادگیری مهارت را پیدا نکرده اند. رضایی می گوید: بعضی از مراجعه کنندگان در آغاز راه حتی انگیزه و اعتماد به نفس لازم را ندارند. آن ها با مشکلات متعدد معیشتی، روحی و خانوادگی روبه رو هستند. با این حال تجربه نشان داده است که بسیاری از همین افراد پس از ورود به فضای کار و آموزش، تغییرات چشمگیری را تجربه می کنند. او از زنانی یاد می کند که با چند فرزند و در دشوارترین شرایط روحی وارد مجموعه شده اند اما با پشتکار و استمرار توانسته اند به درآمد برسد و زندگی خود را سامان دهند. به باور او، مهم ترین دستاورد اشتغال فقط درآمد نیست؛ احساس مفید بودن و بازگشت اعتماد به نفس نیز از نتایج مهم آن به شمار می رود.

## فقر مهارتی، مسئله ای فراتر از فقر اقتصادی

مدیر مؤسسه اعتقاد دارد بسیاری از مشکلات مناطق کم برخوردار تنها با کمک مالی حل نمی شود. او می گوید: در کنار فقر اقتصادی، نوعی فقر مهارتی و حتی ضعف فرهنگ کار نیز وجود دارد که باید برای آن چاره اندیشی کرد. به همین دلیل مجموعه تلاش می کند نگاه خود را از فرد به خانواده گسترش دهد. اگر مادری برای آموزش وارد مؤسسه می شود، فرزندان او نیز در برنامه های آموزشی و فرهنگی قرار می گیرند. هدف آن است که فرهنگ مهارت آموزی و کار از نسل های پایین تر آغاز شود و کودکان نیز با ارزش کار آشنا شوند. رضایی معتقد است جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری به صبر و پشتکار در مسیر یادگیری نیاز دارد. او می گوید: بسیاری از نیروهای تازه وارد پیش از آنکه مهارتی کسب کنند، به دنبال حقوق زیاد و مزایای کامل هستند؛ در حالی که موفقیت در هر حرفه ای نیازمند زمان، تجربه و طی کردن تدریجی مراحل رشد است.



## روزهایی که چرخ خیاطی جای خود را به دیگ غذا داد

با وجود تمرکز مؤسسه بر اشتغال زایی، شرایط بحرانی گاهی مسیر فعالیت ها را تغییر داده است. رضایی می گوید: در روزهای جنگ و بحران، مجموعه ناچار شد بخشی از ظرفیت خود را به امداد رسانی اختصاص دهد. در آن روزها کارگاه ها و نیروهای مؤسسه در خدمت پخت و توزیع غذا قرار گرفتند و برخی روزها تا ۴ هزار پرس غذا برای خانواده ها تهیه و توزیع می شد. با این حال حتی آن روزها نیز نگاه اصلی مجموعه تغییر نکرد. کمک رسانی ضروری بود، اما هدف نهایی همچنان بازگرداندن افراد به مسیر کار و توانمندسازی بود؛ همان ایده ای که از نخستین روز شکل گیری ضیافت الزهرا (س) در ذهن بنیان گذاران آن وجود داشت. امروز در ساختمان بزرگ مؤسسه، صدای چرخ های خیاطی همچنان شنیده می شود. صدایی که شاید در ظاهر فقط نوید تولید چند دست لباس باشد، اما برای بسیاری از خانواده های این محله معنایی فراتر دارد؛ صدای فرصتی تازه برای ایستادن روی پای های خود.

## فراتر از کمک های مقطعی

شاید یکی از جالب ترین ویژگی های ضیافت الزهرا (س) همین باشد که مدیرانش چندان علاقه ای به استفاده از عنوان «خیریه» ندارند. آن ها می گویند هر چند مجموعه با سرمایه خیران شکل گرفته، هدفش فراتر از توزیع کمک های مقطعی است. رضایی توضیح می دهد که با سرمایه ای که برای این مجموعه هزینه شده بود، می شد یک کارخانه یا واحد تولیدی بزرگ تأسیس کرد و به سود اقتصادی رسید، اما تصمیم بنیان گذاران چیز دیگری بود. آن ها می خواستند بستری ایجاد کنند که افراد نیازمند بتوانند مهارت یاد بگیرند، وارد بازار کار شوند و در نهایت خودشان به کارآفرین تبدیل شوند. شاید به همین دلیل است که برنامه های توسعه ای مجموعه نیز همچنان حول محور اشتغال می چرخد. پس از پوشاک و نساجی، راه اندازی کارگاه چرم از جمله طرح هایی است که برای آینده در نظر گرفته شده است؛ حوزه ای که هم بازار مناسبی دارد و هم امکان فعالیت خانگی در آن فراهم است.

## مشکل، کارگر نیست؛ نخ است

در یکی دیگر از کارگاه های پوشاک مؤسسه، حمید نبی زاده پشت میز دفتر کارش می نشیند و از تجربه روزهایی حرف می زند که دیگر پیدا کردن و آموزش نیروی کار ماهر، بزرگ ترین دغدغه تولید کنندگان نیست، بلکه ما جرابر عکس شده است. نیروی آموزش دیده وجود دارد، فضای تولید فراهم است و کارجویان زیادی هم برای یادگیری مراجعه می کنند، اما اگره اصلی جای دیگری افتاده؛ در تأمین مواد اولیه. نبی زاده حدود یک سال پیش و در پی فراخوان مؤسسه ضیافت الزهرا (س) فعالیت خود را در این مجموعه آغاز کرد. بر اساس این طرح، تولید کنندگان می توانند از فضای کارگاهی مؤسسه استفاده کنند، به شرط آنکه کارجویان معرفی شده را بدون دریافت هزینه آموزش دهند. او در این مدت ده ها نفر را آموزش داده است و برخی از آن ها امروز به نیروهای ماهر حوزه پوشاک تبدیل شده اند. با این حال، شرایط اقتصادی تولید را با چالش های تازه ای روبه رو کرده است. نبی زاده می گوید: امروز مشکل ما کمبود نیروی انسانی نیست. کارگر هست، مهارت هم هست، اما مواد اولیه به سختی تأمین می شود. قیمت نخ در مدت کوتاهی چند برابر شده و همین موضوع روی قیمت تمام شده محصولات تأثیر مستقیم گذاشته است. او معتقد است اگر مواد اولیه با قیمت مناسب در دسترس باشد، بسیاری از کارگاه های کوچک و متوسط می توانند ظرفیت تولید خود را افزایش دهند و افراد بیشتری را به کار بگیرند. با وجود این مشکلات، نبی زاده همچنان به آموزش نیروهای جوان امیدوار است و از نوجوانانی یاد می کند که بدون هیچ تجربه قبلی وارد کارگاه شده اند و پس از چند ماه آموزش، به نیروهای حرفه ای تبدیل شده اند؛ «جوان شانزده هفده ساله ای بود که در مدت بسیار کمی تبدیل شد به یک پرش کار پارچه و ماهی نزدیک به ۳۰ میلیون تومان هم درآمد داشته است. راستش همه چیز بستگی به تلاش و همت طرف مقابل دارد؛ عده ای زودتر کار را یاد می گیرند و به درآمد می رسند و عده ای هم کمی دیرتر».

## نفس تازه یک هنر قدیمی

خانواده احمدی حدود یک سال پیش از طریق فعالان حوزه دست بافته های سنتی با مؤسسه ضیافت الزهرا (س) آشنا شدند. آن ها آن روزها به دنبال مکانی بودند که بتوانند فعالیت خود را توسعه دهند و افراد بیشتری را با هنر بافندگی آشنا کنند. نتیجه این آشنایی، شکل گیری کارگاهی شد که امروز یکی از بخش های فعال مجموعه به شمار می رود. قاسم احمدی می گوید: زمانی که پیشنهاد استقرار در این مجموعه مطرح شد، مدیران مؤسسه تنها یک خواسته داشتند؛ اینکه آموزش برای زنان سرپرست خانوار و افراد نیازمند کاملاً رایگان باشد. به گفته او، این شرط نه تنها مانعی برای فعالیتشان نبود، بلکه دقیقاً با دغدغه ای همسو بود که سال ها در ذهن خودشان داشتند. او معتقد است بسیاری از هنرهای سنتی نه به دلیل کمبود بازار، بلکه به خاطر کمبود آموزش و انتقال تجربه در معرض فراموشی قرار گرفته اند و هرچه تعداد هنرجویان بیشتر شود، شانس ماندگاری این هنرها نیز افزایش پیدا می کند. شرایطی که امروز برای علاقه مندان این حرفه فراهم شده، با سال های ابتدایی فعالیت آن ها قابل مقایسه نیست. زمانی که خودشان وارد این مسیر شدند، تهیه ابزار، تأمین سرمایه اولیه و پیدا کردن بازار فروش هر کدام به تنهایی یک چالش بزرگ بود. اما حالا کارآموزانی که وارد این مجموعه می شوند، می توانند بدون نگرانی از این مسائل، همه تمرکز خود را روی یادگیری بگذارند. اما همچنان تهیه مواد اولیه، تبلیغات هدفمند در فضای مجازی و فروش کالا یکی از دغدغه های اصلی و مرکزی آقای احمدی است. به اعتقاد احمدی، اگر علاقه و استعداد وجود داشته باشد، هنرچومی تواند در مدت کوتاهی اصول اولیه و مهارت های اصلی کار را فرا بگیرد و وارد مرحله تولید شود. ثمره این رویکرد در آمار آموزش های انجام شده نیز قابل مشاهده است. این هنرمند در یک سال گذشته، به صورت حضوری و مجازی، چند صد هنرچور در سطوح مختلف آموزش داده است. بخشی از این افراد، امروز در کارگاه های تولیدی مشغول فعالیت هستند و بخشی دیگر در خانه های خود کار می کنند.

